



هنرمند: هادی رضوانی
دانشجوی نقاشی دانشگاه سوره

راه

نشریه دانشجویی
دانشگاه سوره

شماره اول | مهرماه ۱۴۰۲



نبرد فرهنگی

در دانشگاه سوره

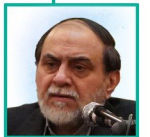
● محمدرضا وحیدزاده

شاعر و مدیر گروه ادبیات پایداری دانشگاه سوره



● هنر؛ دیالوگ فرشته یا شیطان

● سخنرانی حسن رحیم‌پور ازغدی در اردو بهشت ۱۴۰۲



● و ما کدام راه را برگزیده‌ایم؟

● نقد و بررسی آثار دانشجویان دانشگاه سوره
مجید بزرگ‌زاده



گر مرد رهی میان خون باید رفت
وز پای پیاده سرنگون باید رفت
تو پای به ره در نه و از هیچ مپرس
خود «راه» بگویدت که چون باید رفت



ماهنامه دانشجویی دانشگاه سوره | شماره اول | مهر ۲۰۱۴۰۲ | دقیقه



دانشگاه سوره



۱ سرمقاله: یادداشت مدیر مسئول

۳ لبّ کلام: هنر؛ دیالوگ با فرشته یا شیطان؟
حسن رحیم پورازغدی

۵ نوشتار: شهادتی که نذر عباس (ع) شد
بنیامین فلاحتی

۶ گفتار: نبرد فرهنگی در دانشگاه سوره
محمد رضا وحیدزاده

۱۰ نگار: و ما کدام راه را برگزیده ایم؟
مجید بزرگ زاده

رسول اعظم (ص) فرمود: ثَلَاثَةٌ تَخْرُقُ عَلَيَّ الْحُجْبُ
وَتَنْتَهِي إِلَيَّ مَا بَيْنَ يَدَيَّ اللَّهُ: صَرِيرُ الْأَقْلَامِ الْعُلَمَاءِ وَ
وَطْيُ أَقْدَامِ الْمُجَاهِدِينَ وَ صَوْتُ مَغَازِلِ الْمُخَصَّنَاتِ؛
سه صدا و صوت حجابها را پاره می کند و به
پیشگاه با عظمت خدا می رسد؛ صدای گردش قلم
دانشمندان هنگام نوشتن، طنین گام مجاهدان در
میدان جهاد و آوای چرخ نخریسی زنان پاک دامن.
نیز فرمود: إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْقَلَمَ، فَقَالَ لَهُ أَكْتُبْ
فَجَرَى يَمًا هُوَ كَائِنٌ إِلَى الْأَبَدِ؛ به درستی نخستین
چیزی که خداوند آفرید، قلم بود؛ پس به او فرمان
داد بنویس! و او آنچه را بود و تا روز قیامت خواهد
بود، نوشت.

صاحب امتیاز:

دانشگاه سوره

مدیر مسئول:

حسام مدحت

سر دبیر:

بنیامین فلاحتی

دبیر تحریریه:

نورالهدی حیدری فر

دبیر اجرایی:

زهرا کریمیان اقبال

طراح و گرافیک:

زهرا کریمیان اقبال

ویراستار:

حانیه زهدی

هیئت تحریریه:

حسام مدحت

بنیامین فلاحتی

نورالهدی حیدری فر

مأده نوروزپور

حانیه زهدی



آدرس شبکه های اجتماعی:



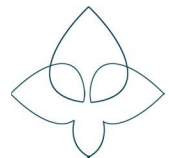
@RAHMAG_SUN



آدرس روابط عمومی:



@RAHMAG_SUN_ADMIN



انقلاب به معنای تحول و تغییر ناگهانی است اما نباید پنداشت که این تحویل و تبدیل همواره به یک صورت اتفاق می‌افتد و در نتیجه این لفظ همواره به یک معناست. گاه هست که انقلاب فقط در عوارض است و گاه هست که جوهر و ذات دگرگون می‌شود. در صورت اول جز تغییری ظاهری، محدود و زودگذر روی نمی‌کند. اما در صورت ثانی، انقلاب همه چیز را تغییر می‌دهد از اعتقادات، سنت‌ها و آداب گرفته تا نظام حکومتی و مدنی. و فقط این دومی را باید انقلاب به معنای حقیقی دانست. کودتا با تغییر ناگهانی هست، اما انقلاب نیست و تأثیرات تبعی آن نیز غالباً به یک رفرم منتهی می‌شود. از لفظ انقلاب پیش از هر چیز معنای سیاسی آن به ذهن می‌آید. اگرچه همه انقلاب‌های سیاسی هم ریشه در تحولات فرهنگی دارند که در «باطن» اتفاق می‌افتد و تغییرات سیاسی در حقیقت انعکاس آن تحولات باطنی است که به ظاهر کشیده می‌شود.

و اما بعد...

اکنون با گذشت ۴۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی امروز مجموعه بزرگی از فعالیت‌های فرهنگی نیروهای انقلاب را پشت سر داریم. بسیاری مراکز، محافل، آثار، جریان‌ها، مجلات و... در حوزه هنر، فکر و فرهنگ پدید آمده‌اند که بعضاً بسیار درخشان نیز بوده‌اند. پدید آمدن نشریات تخصصی و شکل‌گیری نهادهای ویژه آموزش از جمله دانشگاه سوره، اطلاع‌رسانی و تولید در حوزه‌های خاص فرهنگی و هنری، البته یکی از نیازهای ضروری در حوزه فرهنگ است. اما نکته مهمی که به رغم اهمیت فوق‌العاده آن کمتر مورد توجه قرار گرفته لزوم به هم رسیدن تولید و مصرف در حوزه فرهنگ است. به نظر می‌رسد نشریه دانشجویی «راه» در شرایط فعلی و تحولی دانشگاه سوره باید بر سه محور اساسی قرار بگیرد:

۱. نگاه به گذشته ۲. رویکرد جبهه‌ای ۳. روزآمدی

◆ نگاه به گذشته:

حفظ حافظه تاریخی و فعال کردن میراث تاریخی جبهه فرهنگی انقلاب در دو بعد الگوها و عبرت‌ها از ضرورت‌های جدی برای تثبیت و پویایی این جبهه در مقطع کنونی است.

◆ رویکرد جبهه‌ای:

اگرچه هنوز در عرصه تولید فکری و هنری و رسانه‌ای و... در راستای آرمان‌های انقلاب و نیازهای نظام اسلامی راه

درازی در پیش داریم اما سؤال اساسی این است که آنچه که تولید شده است تا چه حد به مخاطب خود رسیده و مورد استفاده قرار گرفته است؟ به جرات می‌توان گفت که فقدان حلقه توزیع تاکنون آسیب‌های جدی به حرکت فرهنگی انقلاب وارد کرده است. منظور از توزیع در اینجا صرفاً یک حلقه واسطه اقتصادی به معنای متعارف نیست بلکه یک حلقه میانی برای اتصال خواص هنرمند و متفکر به توده‌های عظیم و جوان جامعه است. طبقه‌ای که نه جزء تولیدکنندگان حرفه‌ای و تمام وقت آثار و کالاهای فرهنگی است و نه در سطح مخاطبان منفعل یا منفرد این آثار و در عین حال حضوری مؤثر در نهادهای مختلف اجتماعی از دانشگاه گرفته تا مدرسه و اداره و... دارد و ضمن برخورداری از نصاب قابل قبول اطلاع و اشراف بر حوزه‌های فرهنگی قادر به فعال کردن ظرفیت‌های بالقوه یا جهت‌دهی ظرفیت‌های بالفعل تقاضا برای کالاهای فرهنگی است. «راه» باید این طبقه را مخاطب خود دانسته و در تقویت و گسترش و جهت‌گیری مؤثر آن بکوشد.

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار ۹۸/۰۳/۰۱ با دانشجویان، مفهوم جدیدی با عنوان «حلقه‌های میانی» را طرح کردند و برای حلقه‌های میانی وظایفی از قبیل: تشکیل کارگروه‌های فرهنگی، گروه‌های فعالیت سیاسی، تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی، گروه‌های نهضتی در خصوص مسائل جهانی، گروه‌های علمی، فعالیت‌های اطلاعاتی مردمی و کارهای اجتماعی برشمردند و تأکید کردند: «همه این کارها باید به وسیله جوان‌ها برنامه‌ریزی بشود. البته همه این‌ها هم بایستی با الهام‌گیری از آن جهت‌گیری کلی که عرض کردم یعنی در جهت رسیدن به جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است. در همه این کارها، آن برنامه‌ریزان، آن مرکز برنامه‌ریزی و هدایت - که گفتیم حلقه‌های میانی باید آن را انجام بدهند - باید به آن جهت‌گیری توجه داشته باشند»

هدف اصلی حلقه میانی باید گسترش و ارتقای هم‌افزایی اجتماعی باشد؛ به این صورت که ظرفیت‌ها و نیازها را شناسایی می‌کند و این دو را به یکدیگر متصل می‌کند. اینطور هم نیست که یک عده فقط ظرفیت داشته باشند یک عده فقط نیاز داشته باشند. در قرآن کریم داریم که در این رابطه می‌فرماید: «فَضَّلَ اللَّهُ بِهٖ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ» این را مفسرین گفته‌اند منظور این نیست که یک عده، برای همیشه و در همه ساحات بر دیگران برتری یافتند؛ بلکه به این معناست که ما شما را محتاج یکدیگر قرار دادیم. حضرت آقا در تعبیر زیبایی در «طرح کلی اندیشه



اسلامی در قرآن» این را «ولایت افقی» نامیده‌اند؛ «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». بنابراین کار اصل حلقه‌های میانی این است که ارتباطات اجتماعی و هم‌افزایی اجتماعی در جامعه را به اوج برسانند. بنابراین رسالت اصلی حلقه‌های میانی، فعال‌سازی ظرفیت‌های اجتماعی است. یک حلقه میانی بایستی رصد کند و هر جا که ظرفیت هم‌افزایی فعال نشده‌ای وجود دارد، به سراغش برود و برایش طراحی کند تا به شکوفایی برسد. این ظرفیت می‌تواند مادی، معنوی و یا معرفتی باشد.

به قول بعضی اساتید و اهل فن اگر بخواهیم مفهومی برای این کارکرد حلقه‌های میانی به کار ببریم، آن مفهوم «اعداد استطاعت‌ها» است. کار حلقه‌های میانی، اعداد است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ» آماده کردن ظرفیت‌هاست؛ شناسایی و شکوفاکردن ظرفیت‌ها و به فعلیت در آوردن آن‌هاست. و اگر این کار با موفقیت محقق شد آن وقت آن هدف اصلی که گسترش و ارتقا هم‌افزایی اجتماعی در جامعه است، به اوج خود نزدیک خواهد شد.

به نظر می‌رسد جنبش دانشجویی به خاطر سلامت ذاتی و روح آرمان‌خواهی خود، نامزد شایسته‌ای برای به پا داشتن پرچم این امر مهم است.

◇ روزآمدی:

از جمله دلایل عدم موفقیت برخی از نشریات وزین فرهنگی در چند سال گذشته فرو رفتن در مباحث انتزاعی یا طرح مباحث نظری بدون عطف به مسائل عینی و واقعیت‌های روز جامعه بوده است. «راه» باید ضمن حفظ عمق نظری و وزانت فکری بتواند اصول و مبانی فرهنگ انقلاب اسلامی را همپای اتفاقات و «مسئله‌های روز جامعه و دانشگاه تبیین و ترویج کند. «روزآمدی» و «زنده‌گی» مجله یکی از محورهای اساسی در جهت‌گیری آن خواهد بود.

مخلص کلام...

عمده آنچه که در راه دنبال می‌شود در فصل‌های زیر قابل احصاء است:

- * آسیب شناسی سیاست‌ها و فعالیت‌های تحولی دانشگاه در راستای اهداف و رسالت آن
- * نقد فضای فرهنگی، هنری غالب در دانشگاه و تبیین محدودیت‌ها و چالش‌های دانشجویان انقلابی
- * معرفی چهره‌های جدید دانشجو در عرصه فکر و هنر انقلاب

- * طرح «مسئله» در فضای فرهنگی کشور و دانشگاه
- * حضور بهترین نمونه‌های فرهنگ و هنر انقلاب و اساتید دانشگاه در زمینه‌های مختلف در مجله به عنوان یک منبع، مرجع والگو
- * اطلاع‌رسانی پیرامون فعالیت‌های فکری و هنری جبهه انقلاب و دانشگاه و به روز کردن مخاطبان در این زمینه
- * مسئله‌سازی در حوزه‌های تخصصی تئاتر، ادبیات، گرافیک، سینما و موسیقی
- * نقد آثار بچه مسلمان‌ها
- * نترسیدن از مسائل و چالش‌های فرهنگی روز جامعه و دانشگاه و طرح شجاعانه آن‌ها
- * شکستن فضای دو قطبی و گشودن روزنه‌ای به راه سوم
- * دریافتن نیروهای ارزشی غریب در عرصه‌های فرهنگی و هنری
- * تمهید مقدمات برای جذب گروه میانه
- * معرفی روشنفکران و هنرمندان اصیل یا منتقد غربی
- * توجه ویژه به دانشجویان ساکن شهرستان‌ها و توانایی هنری آن‌ها
- نیاز فضای فرهنگی، آموزشی و پژوهشی دانشگاه سوره به هر کدام از سرفصل‌های فوق و خصوصاً تعقیب آن‌ها در یک جُنگ و مجموعه که خاصیت اصلی «راه» - به عنوان یک نشریه فرهنگی و دانشجویی غیر تخصصی - بوده بیش از پیش احساس می‌شود.

◇ آنچه تا اینجا گفته آمد، باید و نباید است و ادعا. در حرف می‌توان تا بیش از این هم پیش رفت اما عمل به این همه در گرو بصیرت و صبری است که آوینی‌ها داشتند و دارند و اینکه ما - که فقط پادوی این ماجرا هستیم - چقدر توان و تقوای چنین کاری را داشته باشیم هنوز بر خودمان هم پوشیده است. و امید بسته‌ایم که: «خود راه نمایندت که چون باید رفت» این دست نیاز ما و این نگاه کریمانه دل سپردگان اسلام ناب. —

حسام مدحت
مدیر مسئول
نشریه دانشجویی راه

هنر؛

دیالوگ با فرشته یا شیطان؟

← شرح عکس: سخنرانی حسن رحیم‌پور ازغدی در اردوبهشت ۱۴۰۲

زمان مطالعه: ۵ دقیقه



نگاه صحیح به اصل مقوله هنر همواره مورد بحث کارشناسان و صاحب‌نظران بسیاری در این حوزه بوده است. اما حقیقتاً کدام بیان تأویل صحیح و مناسبی از فهم اصالت گم‌شده هنر و نگاه و تعریف هنرمند از درک حقیقت (زیبایی) می‌باشد؟

(حسن رحیم‌پور ازغدی)، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در جمع دانشجویان شرکت‌کننده در برنامه فرهنگی ودانشجویی «اردوبهشت» دانشگاه سوره واقع در مشهد مقدس به این سوال و مشتقات آن پاسخ می‌دهد و در تعبیری آن را به ظرف و مظروف هنر تشبیه می‌کند. گعده صمیمانه رحیم‌پور ازغدی، بهانه‌ای شد تا نگاه یک هنرمند به مقوله هنر در جمعی از هنرمندان جوان تبیین و مورد بحث قرار گیرد.

← هسته مرکزی هنر چیست؟ زمانی که یک اثر هنری مانند نقاشی یا فیلم را می‌بینیم معیار اینکه آن اثر هنرمندانه است یا نیست چه می‌تواند باشد؟ درواقع ملاک هنر زیبا بیاست، معمولاً اگر یک کاری به لحاظ مکانیکی انجام شده باشد و در آن زیبایی نباشد

می‌توان گفت آن کار هنرمندانه نیست. بعضی از دانشجویان نقل می‌کنند که گاهی هنر برای نشان دادن زشتی‌هاست، بله، درست است اما زشتی‌ها را به دو شیوه هنرمندانه و یا غیر هنرمندانه می‌توان نشان داد. یعنی می‌توان زشتی را به شیوه‌ای نشان داد که مخاطب

متوجه آن شده و حالش بهم بخورد! و از طرفی هم می‌توان طوری نشان داد که مخاطب اصلاً متوجه آن نشود. درواقع زشت بودن زشت را هم به شیوه زیبا می‌شود بیان کرد. حال می‌خواهیم تعریف کنیم که چه عملی زشت و عملی زیباست. محور و مرکز اصلی رشته هنر، تعریف زشت و زیباست. عمدتاً در حوزه زشتی و زیبایی در دانشگاه‌ها به صورت تکنیکال بحث می‌شود. اما تمامی هنرها ظرف هستند! حال باید از مظرروف سوال کرد. یک زمان سوال می‌کنی که فلان نقاش واقعاً هنرمند است و بسیار خوب و زیبا نقاشی می‌کند. اما یک وقت سؤال می‌کنی که چه چیزی می‌کشد؟ چه پیامی را منتقل می‌کند؟ این یعنی به لحاظ روش و ظرف، زیباست. تئاتر، سینما، نقاشی، کاریکاتور، مجسمه‌سازی، معماری و... این‌ها همه ظرف هستند. البته ناگفته نماند که زیبایی ظرف بسیار مهم است. زیرا اگر ظرف زیبا نباشد شما هنرمند نبوده و با یک آدم معمولی تفاوتی نمی‌کنید. هنر، ورود به حریم زیبایی و زیبایی‌شناسی است. شناسه آن هم کتابی است که مطالعه می‌کنید و دیگر نمی‌توانید آن را کنار بگذارید، یا فیلمی است که بعد از اینکه آن را ده مرتبه مشاهده کردید باز هم حاضرید دوباره آن را ببینید، این‌ها به این دلیل است که این آثار هنرمندانه نوشته و ساخته شده‌اند. جدای از ظرف، مظرروف (یعنی محتوایی که دارید از طریق هنر به مخاطب منتقل می‌کنید)، یک احساس خاص، یک داوری، یک ادراک، دو قطبی قهرمان و ضد قهرمان و... همه فیلم‌ها قهرمان و ضد قهرمان دارند، منتها بعضی هوشمندانه اما بعضی بدون حساب و کتاب، بعضی‌ها صادقانه و بعضی‌ها منافقانه این کار را می‌کنند. ممکن است شما زمانی در فیلم خود از یک ارزش اخلاقی و یا از یک ارزش انسانی دفاع کنید، اما فرم ارائه شما ضعیف باشد. گاهی هم ممکن است یک محتوای کثیف، مظرروف زشت، غیر عادلانه و ضد بشری را در یک قالب زیبا و جذاب ارائه کنید. طوری که مخاطب فیلم شما را ده مرتبه مشاهده کند. مثل اینکه زباله در یک ظرف طلا و یا بهترین غذا در یک ظرف کثیف ریخته شود. هیچ کدام از این دو کار هنرمندانه نیست! آن ظرف هنر است اما مظرروف آن ضد هنر بوده و زیبا نیست، زیرا هنر زیبایی است.

◇ برای مثال هالیوود به لحاظ ظرف قوی‌ترین، جذاب‌ترین، هنرمندانه‌ترین و زیباترین روش‌ها را دارد. اما چه می‌خواهد بگوید؟ در این ظرف طلا چه

ریخته شده است؟ وقتی فیلم تمام می‌شود شما احساس می‌کنید که همه چیز بی‌معنا و پوچ است! و اصلاً چرا ما داریم زندگی می‌کنیم! درواقع فیلمی که توانست شما را افسرده کند، هنرمندانه است! چرا؟ چون توانست شما را افسرده کند. قوی، قشنگ و مؤثر بود. اما خروجی آن چیست؟ این فیلم، تئاتر، خبر و... آنقدر هنرمندانه تولید شده است که از ذهن من و شما بیرون نمی‌رود و اثر خود را گذاشته است. این الان هنرمندانه است یا غیر هنری؟ ممکن است شما هنری داشته باشید و از آن به شهرت و پول برسید اما با آن ده خانواده را نابود کنید. در روش و کارتان موفق باشید و جوایز مختلفی را هم کسب کنید اما محتوا و اثر کار شما به جوانان القا می‌کند که خانواده اصلاً مهم نیست.

◇ هر هنری اثری دارد، بخشی از آن به ظرف یا فرم و بخشی دیگر به مظرروف یا محتوای آن مربوط است. بعضی از هنرمندان حرف و یا رفتار زشت را با یک روش زیبا به مخاطب تزریق می‌کنند. «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» یعنی هم حرف خوب بزنید و هم خوب حرف بزنید، یعنی محتوا و روش، ظرف و مظرروف هر دو مهم است. چرا از آدم حسود بدمان می‌آید؟ حتی وقتی خودمان حسادت می‌کنیم اسم دیگری روی آن می‌گذاریم و نمی‌گوییم من حسود هستم و یک اسم خوب برای آن انتخاب می‌کنیم، ولی خودمان می‌دانیم که حسادت زشتی است. همان‌طور که راجع به فرم می‌اندیشیم که چه فرمی زیبا، اثرگذار، هنری و جذاب است، باید به همان اندازه و بلکه بیشتر به محتوا بیاندیشیم، زیرا اصل مظرروف است و ظرف وسیله است. هدف هنرمند مظرروف و محتوا است. اینکه چه چیزی را در جامعه منتشر می‌کنی؟ بی‌شرفی را نشر می‌دهی یا شرف را؟ وطن‌فروشی را نشر می‌دهی یا مقاومت ملی را؟ وحدت را نشر می‌دهی یا اختلاف و کینه را؟ بی‌شرمی و بی‌حیایی را نشر می‌دهی یا شرم و حیا را؟ حال او از ما سوال می‌کند که شرم و حیا چیست؟ بعضی از هنرمندان از انسان تعریف ماتریالیستی و مادی‌گرایانه دارند و معتقد هستند که شرم و بی‌شرمی مساوی است، برهنگی و پوششش در عرصه عمومی مساوی است، ارزش برای آن‌ها اهمیتی نداشته و فرقی نمی‌کند بلکه بستگی دارد که او چه می‌خواهد. ○

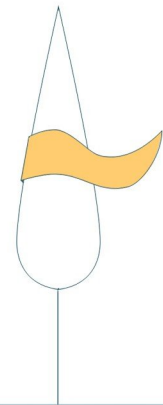
شهادتی که نذر عباس (ع) بود

● بنیامین فلاحتی
دانشجوی هنراسلامی
دانشگاه سوره



با آنکه شخصی به ظاهر معمولی با زندگی ساده‌ای به نظر می‌آمد اما حالا تبدیل به پیشران یک تحول و حرکت عظیم فرهنگی و فکری شده بود. شخصیت‌هایی که وقتی می‌خواهی آن‌ها را تحلیل کنی تازه پیچیدگی بعد از سادگی‌شان آدم را مغلوب خودش می‌کند. اصلاً این ویژگی همه کسانی است که دستی در تغییر مسیر تاریخ دارند. همیشه چنین انسان‌هایی بوده‌اند که نه فقط اسیر محیط پیرامون خود نشده، بلکه واقعیت‌های جاری در محیط را شکافته و جلو رفته‌اند. اینها نه مقهور محیط بلکه عامل تغییردهنده آن بوده‌اند و آنقدر پیش رفته و محیط و واقعیت را تغییر داده‌اند که خودشان یک واقعیت می‌شوند. واقعیتی که دیگر نمی‌شود آن را نادیده گرفت. جوانی که در طول زندگی کوتاه خودش، منشأ آثار فراوان اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. جوانی مومن و مجاهد و صف‌شکن که نه فقط اسیر محیط پیرامونی خود نشده، بلکه واقعیت‌های جاری در محیط را شکافته و جلو رفته است: «کسی که مدتی با مصطفی رفت و آمد می‌کرد، می‌فهمید که دوست ندارد منفعل باشد، حتماً باید کاری انجام می‌داد، احساس تکلیف می‌کرد. مثلاً در جریانات سال ۸۸ می‌گفت: صرفاً حضور ما در درگیری مشکل را حل نمی‌کند؛ باید روشنگری کرد. ما نباید بی‌خیال باشیم.» (کتاب سرباز روز نهم، ص ۱۸۷). اما چرا و چگونه همین مصطفی در عمر ۲۹ ساله‌اش به مقامی می‌رسد که مورد غبطه مردم جامعه و بزرگان واقع می‌شود؟ برای یافتن پاسخ این پرسش راه‌های مختلفی وجود دارد: راه اول مطالعه زندگی پرشور و سراسر فعالیت مصطفی و شناختن ابعاد مختلف زندگی او و پیدا کردن عوامل مؤثر در رشد و تکامل آن شهید و راه دوم توجه به الگوها و سرمشق‌هایی است که او بر شناخت و پیروی از آن‌ها همت گماشت.

◆ «سرباز روز نهم» را می‌توان بین آثار منتشر شده درباره شخصیت شهید صدرزاده یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین آثار دانست. اثری که پژوهش و گردآوری اطلاعات آن حدود ۶ سال طول کشیده است. نکته جالب آنکه بعضی روایان کتاب که به بیان خاطرات خود از شهید پرداخته‌اند، حالا دیگر در بین ما نیستند و خود به قافله شهدا پیوسته‌اند. تعدد روایان هم باعث شده که وجوه مختلف شخصیت مصطفی صدرزاده در کتاب، تا حد امکان به صورت حداکثری ترسیم شود. مستند «عابدان کهنز»، روایت تربیت، شکوفایی و بالندگی نوجوانان مسجد امیرالمومنین (ع) کهنز شهریار نیز از سربازهای این پروژه بوده است. —



- نام کتاب: سرباز روز نهم
- نویسنده: نعیمه منتظری
- محقق: محمد مهدی رحیمی
- ناشر: راه‌یار



تقریظ حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای
بر کتاب «سرباز روز نهم»



مستند «عابدان کهنز»

نبرد فرهنگ دانشگاه

● محمدرضا وحیدزاده

شاعر و مدیر گروه ادبیات پایداری دانشگاه سوره



و مرا به حلقه‌های شعر دعوت کرد تا شعرهایم را بخوانم. مجموع این‌ها این را به ما گوشزد می‌کند که استعدادیابی در آن مقطع خیلی مهم است و ما در این زمینه کمبود داریم. ضعف جدی‌ای که در دانشگاه احساس می‌کنیم، بخش زیادی‌اش به مدارس و آموزش و پرورش برمی‌گردد که به درستی استعدادیابی نمی‌شود. زمان ما می‌گفتند: بچه‌ای که درس‌خونه باید بره ریاضی فیزیک یا دکتر بشه! حالا آگه خیلی هم درس‌خون نیست بره پزشکی یا آگه کلا از درس فراریه بره علوم انسانی. درواقع رشته انسانی را اونجایی می‌دیدند که درس‌نخون‌ها برن! از اون فاجعه‌بارتر هنرستان بود! کسی می‌رفت که اصالت‌کلیفش مشخصه اونیه که نمی‌خواست دیپلم بگیره می‌رفت هنر،

ضعف جدی در دانشگاه احساس می‌کنیم، بخش زیادی‌اش به مدارس و آموزش و پرورش برمی‌گردد که به درستی استعدادیابی نمی‌شود.

مختصری از گذشته شروع کنیم. نحوه ورود شما به عرصه هنر و شعر چگونه بود؟
 همه ما در وجودمان علاقه‌ای به هنر، ادبیات، ورزش، طبیعت، سینما و یا ساختن یکسری کارهای خلاقانه داریم که شاید در عالم کودکی جدی گرفته نشود. اما در وجود همه هست. در یکی کمرنگ و یکی دیگر پررنگ نشان می‌دهد. اما همین باید جدی گرفته شده و شناسایی شود و به درستی کمک شود تا یک نفر بتواند آن‌ها را پیروانند و ظرفیت‌ها را بالفعل کند. من نیز این علاقه را داشتم و در دوران تحصیل و بدون آن‌که اشرافی داشته باشم از خواندن شعرهایی که در کتاب‌های درسی‌ام بود لذت می‌بردم. با اینکه درس خوب نبود ولی احساس می‌کردم یک چیزی در این کلمه‌ها من را مسئول خودش می‌کند. من دیر متوجه شدم که یک استعدادی در من هست و چطور باید از آن استفاده کنم و گاهی اصلا درست استفاده نمی‌کردم. سال‌های آخر دبیرستان یک دوست خوب این استعداد را در من دید

نگی در سوره

«همه ما در مقابل دانشجو مسئول هستیم. نبرد فرهنگی‌ای که بین جبهه حق و باطل وجود دارد به راستی نبرد برابری نیست. نفسانیات جریان باطل بسیار شیرین، جذاب و گیرا است.» این جملات محمدرضا وحیدزاده در خلال مصاحبه است. او معتقد است باور انقلابی و روح تعهدی که نسل جدید دارد بسیار ستودنی است. اما اینکه این باور چقدر در دانشگاه سوره وجود دارد جای سوال است؟ این سوال انگیزه‌ای شد تا پاسخ آن را از زبان محمدرضا وحیدزاده بازتاب دهیم. ما وحیدزاده را با شعرهایش می‌شناسیم، اما او اکنون مدیر گروه ادبیات پایداری دانشگاه سوره است و بار سنگین تربیت را بر دوش دارد. با او در مورد انتقال تجربه و ذخیره فرهنگی و هنری‌اش به این دانشگاه و تحولات هنر بعد از انقلاب اسلامی به گفت‌وگو پرداختیم.

در حالی که هم مسئله هنر و هم مسئله علوم انسانی بسیار مهم هستند، ولی فقیه می‌گوید چه کسی باید اندیشه‌های انقلاب را تبدیل به گفتمان کند؟ و بتواند جامعه را درگیرش کند؟ فقط از ابزار هنر بر می‌آید. خیلی از اوقات اهمیت راهبردی هنر دست‌کم گرفته می‌شود.

با توجه به اهمیت راهبردی هنر، شعر بعد از انقلاب اسلامی دچار چه تغییر و تحولاتی شد؟
◇ بعد از تحولاتی که در غرب رخ داد، با رنسانس عصر جدیدی آغاز شد و در ادامه با تحولات تاریخی و با پیش آمدن مدرنیسم جهان تحت تاثیر قرار گرفت. کم یا زیاد همه کشورها به نحوی درگیر ماجرای مدرنیسم شده‌اند. و ما با مدرنیسم وارد دوران جدیدی شده‌ایم که نمی‌توانیم به گذشته برگردیم. در واقع دوران سنت به پایان رسیده و راهی برای بازگشت وجود ندارد. نحوه مواجهه ما با مدرنیسم خیلی مهم

هست. تعیین‌کننده است که آیا به تمام و کمال بتوانیم پذیرای آن باشیم و حتی اگر قصد داریم تماما پذیرای او باشیم و در سرنوشت مدرنیته مشارکت کنیم باید این اجازه به ما داده شود که چه نقشی را بازی کنیم. در متن هستیم یا در حاشیه؟ به ما نقش مصرف‌کننده یا تابع می‌دهند یا می‌توانیم یکی از نقش‌های محوری را داشته باشیم. به این سوال شاید دو قرن است که دارد فکر می‌شود. کسانی پاسخ‌هایی ارائه کرده‌اند اما همچنان در تکاپو هستیم. فقط مسئله‌ی ما نیست و مسئله‌ی خیلی از ملت‌ها است و این بر روی همه‌ی ساحات وجودی ما از جمله سیاست، فرهنگ، اقتصاد و... تاثیر گذاشته است. شعر معاصر ما هم با وجود ریشه‌های تاریخی و سنت‌هایی که دارد تحولاتی را از سر می‌گذراند که باید به آن فکر کنیم. دیگر شعری که در گذشته می‌شناسیم نیست شعر امروز ما دیگر آن شعر سنتی نیست و تبدیل به طرف دیگری هم به لحاظ فرمی و هم به لحاظ مضمونی شده است. برای مثال بوطیقای شعر کلاسیک یک اقتضاعاتی دارد برای یک چیز دیگری بنا شده و محفل حمل یک چیز دیگر است. اولین متفکرین ما از بیرون از ایران به این مسئله پرداختند و الهام‌بخش خیلی از اتفاقاتی شد که در ایران افتاد و نهایتاً به انقلاب اسلامی منجر شد. صداهایی که بیرون از این مرزها شنیده شد. از آن طرف سید قطب و محمد عبود در مصر جزو افرادی بودند که به این مواجهه فکر می‌کردند و آقای خامنه‌ای جزو مترجمین آرا همین اندیشمندان بوده است. این نشان می‌دهد که چه پیوندی و چه نسبتی بین انقلابیون آن دوره و صداهایی که از گوشه کنار داریم می‌شنویم برقرار است. انقلاب اسلامی برعکس آن چیزی که گفته می‌شود یک اتفاقی از جنس بازگشت در همه حوزه‌ها از جمله حوزه شعر است. انقلاب اسلامی با بازنگری واقعیت انسان عصر انقلاب و باز تعریف نسبت خود با عالم بر روی همه چیز از جمله شعر تاثیر گذاشت. در واقع بر جریان هنری که در مثلاً از دهه بیست شروع شده بود و دهه ۳۰ و ۴۰ به اوج خود رسیده بود تاثیر گذاشت و از استهاله‌اش پیشگیری کرد. چه بسا انقلاب اسلامی توانست دوباره شعر را احیا کند. شعری که دیگه ارتباطاتش با عامه مردم در حال قطع شدن بود. انقلاب اسلامی با وام‌گیری از سنت‌ها و نه بازگشت و تکرار و همچنین الهام‌گیری از تحولات عصر جدید، شعر تازه‌ای را به نام شعر عصر انقلاب اسلامی مطرح می‌کند. شعری که می‌تواند با عامه مردم ارتباط برقرار کند. شعری که زبان ساده‌ای داشته و نوگراست. اما مضامینی از جنس انقلاب و جنگ و دغدغه‌های اجتماعی حمل می‌کند و در صف نفت و گاز هست، در مجلس هست، شعر در روزنامه‌ها دست به دست می‌شود. خاطره‌هایی از شعرهایی که از شاعرش پیش تاخته‌دارم. مثلاً جمعی از شاعران تصمیم می‌گیرند که برای رزمندگان شعرخوانی کنند بعدها شعرها بر روی دیوار نوشته شده‌است. در واقع شعر از شاعر زودتر آمد. این یعنی شعر یک حضور جدی در اجتماع دارد.

انقلاب اسلامی با بازنگری واقعیت انسان عصر انقلاب و باز تعریف نسبت خود با عالم بر روی همه چیز از جمله شعر تاثیر گذاشت. در واقع بر جریان هنری که در مثلاً از دهه بیست شروع شده بود و دهه ۳۰ و ۴۰ به اوج خود رسیده بود تاثیر گذاشت



موقعیت امروزی شعر را در اجتماع چطور می بینید؟

◇ در مقایسه با ژانرهای مختلف به استثنا سینما، شعر از اثرگذارترین ژانرهای هنری و ادبی است. شاید به نظر برسد که جایگاه الان شعر نسبت به گذشته جای تاسف داشته باشد اما باید توجه کنیم که وقتی در گذشته از شعر حرف می زدیم، نه فقط از شعر، بلکه از یگانه رسانه‌ی فراگیر و عمومی و در دسترس اون دوره حرف می زدیم. یعنی شعر در زمان خودش، در قرن ۵ و ۶ هم شعر، هم رادیو، هم تلویزیون، هم اینستاگرام و... بود. وقتی محمود غزنوی از جنگ برمی‌گردد به شاعر دربار خود، منوچهر دامغان می‌گوید که فتح ما را به شعر در بیاورد. یعنی تبلیغات من و بلندگوهای من تو هستی. با انبوه رسانه‌هایی که ما امروز با آن‌ها درگیر هستیم. انبوه اطلاعات به ما هجوم دارند طبیعی است که دیگر شعر هم موقعیتی متناسب با امروز را دارد.

انقلاب اسلامی در ورود دغدغه‌های اجتماعی چه نقشی داشته است؟

◇ با ورود مدرنیته و مظاهر آن به ایران از جمله چاپ، روزنامه، مشروطه خواهی و درخواست پارلمان، فضای ادبی هنری ما هم تحت تاثیر قرار می‌گیرد و شاعران دوره مشروطه سیاست را وارد شعر می‌کنند موضوعی که پیش از این سابقه نداشته است. شعر دیگر صرفاً یک محفل ادبی یا احساسی نیست. برای مثال در روزنامه از یک اتفاقی انتقاد و یا دفاع می‌کند، موضوعی را طرح می‌کند، لذا تجربه ارزشمندی است که قاعدتا همراه آن سرکوب و واکنش حکومت نیز همراه است. به ویژه اواخر دوره قاجار و مشخصاً آغاز به حکومت رسیدن رضا شاه شما این را می بینید که بسیاری از شاعران را زندانی می‌کنند، ترور می‌کنند، اعدام می‌کنند، تبعید می‌کنند، خیلی از شعرا از فرخی یزدی بگیرد تا ملک الشعرا بهار. مثلاً موسوی گرماردی جزو شاعران مذهبی جوان بود که شعر مذهبی را با دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی پیوند می‌زند. این‌ها تحولاتی است که از دهه ۴۰ شروع شده و در دهه ۵۰ شکل می‌گیرد و بعد از دهه ۵۰ در آستانه انقلاب، به شعر انقلاب اسلامی منجر می‌شود. شعر انقلاب اسلامی دیگر فقط یک بیانیه سیاسی نیست بر خلاف چیزی که در مشروطه می‌بینیم، صرفاً منظوم کردن یکسری دغدغه‌های حزبی و سیاسی نیست در عین حال مسئله‌های اجتماعی را به دوش می‌کشد و با زندگی امروز پیوند خورده و آن را نمایندگی می‌کند. شعر انقلاب اسلامی از جنس زندگی است و اتفاقاً تنوع چشم‌گیری هم دارد ما در شعر انقلاب اسلامی، شعر عاشقانه، انتقادی به حکومت، سیاسی، دفاع مقدس، مضامین جهانی و خیلی موضوعات متنوع دیگر را شاهد هستیم.

می‌توان هنر اعتراضی را از نمونه تحولات بعد از انقلاب اسلامی بیان کرد؟

◇ به شخصه شاهد شکل‌گیری یک جریان جدی در گرافیک انقلاب هستیم که برای من خیلی جذاب و شگفت‌انگیز است. این انقلاب حاصل نسل تازه نفسی است که اخیراً به میدان آمده است. شاید تا پیش از این ما از فضای گرافیک‌مان کارهای زنده و تپنده و در میدان و تاثیرگذار ندیده بودیم. و اتفاقاً خیلی از ویژگی‌های هنر انقلاب را از همان سال‌های آغازین دارد و من فکر می‌کنم بیش از آنکه الگو برداری کرده باشد روح انقلاب اسلامی است که در جان این‌ها اشراف پیدا کرده است. آرمانخواهی،

عدالتخواهی، باورطلبی و باور انقلابی که این نسل دارد و بنظرم اصل هم همین است که روح انقلابی وجود داشته باشد. و این احساس در یک هنرمند، به رنگ هنرش در می‌آید. به این معنا که هنرش را از خودش متأثر می‌کند، بعضی از این‌ها هنرمندان جوانی هستند. هنرمندان کم تجربه‌ای که یک ذوقی، یک استعداد، یک مهارتی و یک باور، ایمان و امید دارند. در واقع می‌توان گفت تعهد و تخصص دارند. اگر فکر می‌کند جایی اشکال دارد می‌رود در دل کار و از چیزی نمی‌ترسد. اگر رهبری می‌گوید بانک‌ها غلط می‌کنند پس با شهامت به این موضوع می‌پردازد و چون می‌داند که در کجای تاریخ ایستاده و چه نسبتی با انقلاب اسلامی دارد، رویکرد انتقادی‌اش هم درست است. رویکردی که در نهایت به رشد و پویایی انقلاب کمک می‌کند و نه به تضعیف آن. چه بسا سکوتش باعث تضعیف انقلاب است. و چه بسا همین در صحنه بودن، هوشیار بودن و کنش‌مند بودن را تذکر داده‌اند که در واقع بسیار معنای قرانی عمیقی دارد. خیلی اوقات فراموش می‌شود که این‌ها از جنس تذکر است و ما را دوباره زنده می‌کند. به رقم این همه حمله‌ای که از بیرون و داخل با وجود همه ضعف‌هایی که مسئولین دارند و خیانت‌هایی که دانسته یا ندانسته انجام می‌دهند، انقلاب هنوز تپنده و پویاست. بخشی از آن به همین برمی‌گردد که روح انقلاب را نمی‌توانیم از میان برداریم. و تا وقتی این روح زنده و باقی است می‌توانیم امید داشته باشیم.

نسل ۴ گرافیکست‌ها، نسل ۵ شاعران، نسل ۶ و ۷ و ۸ و... می‌آیند و مثل همان روز نخست باورمند در صحنه‌اند. اما عرض می‌کنم که همیشه انحراف هست و هیچ چیزی از پیش تعیین شده و مکانیکی جلو نمی‌رود. و این خاصیت موجود زنده است و جریان عدالتخواهی درست عمل می‌کند و گاهی ریزش‌هایی هم دارد. گاهی جریان عدالتخواهی تبدیل به ضد خودش هم می‌شود اما به این معنا نیست که شما با معنای عدالتخواهی مخالفت کنی و معنا را از بین ببری. اصل عدالتخواهی به این است که حقیقتی را باور داشته و به راه روشنی ایمان داشته باشید و هرآن چیزی را که با آن همخوانی نمی‌کند، شجاعانه بایستیم و اعتراض کنیم و به گوش دیگران برسانیم و در عین حال پایبند به ارزش‌ها بمانیم. این عاملی است که باعث زنده بودن انقلاب است و این را تو این بچه‌ها و کارهایشان می‌بینیم. در مورد کار اخیری هم که در مورد بنگاه‌داری بانک‌ها بود همین را من دارم می‌بینم و مواجه‌ای هم که با آن شد از جنس همان تکبر استکباری که برخی از مدیران ما پیدا کرده‌اند در حالی که از تو خود انقلاب برکشیده شده و روی صندلی نشسته‌اند ولی الان به استکباری رسیدن که حرف ولی امر مسلمین را به پایین می‌کشند. که اتفاقاً خوب هم شد و واقعیتی را نشان داد. در وهله اول باعث بیشتر دیده شدن اصل همان حرف شد و از طرفی نشان داد که واقعیت جامعه ما چیست؟ نباید در یک فضای فانتزی باقی ماند بعضی وقت‌ها فکر می‌کنیم که وقتی ولی امر مسلمین می‌گوید بشود،

واقعاً می‌شود ولی همین نشان داد که ولی امر حرفی را صریح گفته است و تونیز داری همان حرف را تکرار می‌کنی اما بعد از تو همین ساختار دهان شمارا بسته و اجازه حرف زدن

آرمانخواهی، عدالتخواهی، باورطلبی و باور انقلابی که این نسل دارد و بنظرم اصل هم همین است که روح انقلابی وجود داشته باشد

نمی‌دهند و این‌ها واقعیت‌های موجود را نشان می‌دهد.

این برخورد با هنرمند از کجا نشأت می‌گیرد؟

هنرمند با عموم و قلوب مردم کار دارد! چه هنرمند طاغوتی و چه هنرمند برحق، هر دو با قلوب مردم کار دارند به همین خاطر است که خداوند در آیه آخر سوره شورا هشدار جدی به شعرا می‌دهد. چون شعرا کار مهمی دارند چرا به بقیه نمی‌دهد؟ چون دارند بر روی قلب آدم تاثیر می‌گذارند و می‌توانند یک قلبی را زنده کرده یا قلبی را سیاه کنند. وقتی هنری که به میدان بیاید و بتواند جبهه طاغوت را تهدید کند قطعاً او ساکت نمی‌نشیند و گاهی دست به حذف فیزیکی می‌زد. البته حذف فیزیکی هزینه‌اش بالاست و تا قیام قیامت جامعه می‌گوید که ناجی‌العلی را تو کشتی، کفانی را تو کشتی. ببینید چقدر کارد به استخوان طاغوت خورده و چقدر اثر هنری تاثیرگذار و جریان‌ساز است که تو را در آن موقعیت قرار داده است. اما خیلی اوقات هست که حذف فیزیکی نمی‌کنند و حذف آبرویی و شخصیتی می‌کنند و بسیار در این حیطة توانمند، قدرتمند و خلاق هستند. و حتی بسیار نمونه داخلی داریم. دشمن وقتی دست به حذف فیزیکی می‌زند که به هیچ عنوان نتواند هنرمند را از میان بردارد مثل نادر طالب‌زاده که در لیست ترور بود. آنجایی که طالب‌زاده را نه می‌توانی خسته و بی‌آبرو کنی و نه می‌توانی به دام بیاندازی، نه حتی با بی‌مهری داخلی‌ها خسته می‌شود او را در لیست ترور قرار می‌دهند. تا دلت بخواهد بازگرانی هستند که به آن‌ها بسیار فشار وارد می‌کنند. گاهی پنهانی و گاهی علنی فحش می‌دهند، هو می‌کنند، استوری می‌گذارند و مجبور می‌کنند تا جا بزنند. حتی در همین دانشگاه سوره و برنامه‌های مختلف فرهنگی آن این تهدیدات وجود داشته و دارد. میدانی را می‌سازند و فضایی را در عموم ایجاد می‌کنند که بدانی کت تن کیست! بورديو راجع به این موضوع مفصل حرف زده‌است و می‌گوید قدرت فقط این نیست تو یک دولتی داشته باشی و مثلاً یک ساختار سیاسی دستت باشه گاهی میدان‌های متنوعی داریم میدان فرهنگ، میدان اقتصاد و.. گاهی میدان فرهنگ آنقدر قدرتمند می‌شود که هیچ قدرت دیگری نمی‌تواند با آن برابری کند. فرض کنید که شما یک هنرمند هستید و در آغاز کار هنری خود ایستاده‌اید. از کودکی علاقمند به حوزه فیلم‌سازی بوده و فیلم‌های همه را حفظ کرده‌اید. آرزوی شما قبولی در رشته سینما دانشگاه سوره بوده و یک مسیری را آمده‌اید و در سن جوانی و آستانه جهش هستید و می‌خواهید وارد جهان سینما شده و حتی الان یک طرحی هم از ارشاد آمده و قصد ساخت دارید اما فلان کارگردان بلندپایه به شما می‌گوید اگر این فیلم را بسازی برا همیشه بایکوت می‌شوی! حتی تهدید هم نمی‌کند و صرفاً یک نصیحت می‌کند که من می‌دانم اگر این فیلم را بسازی برای همیشه از سینما بیرون انداخته می‌شوی! حال تو بیا به این آدم بگو این پروژه اگر صد میلیون هزینه دارد من یک میلیارد پول می‌دهم اما او می‌گوید که پول برای من مهم نیست و آرزوی من این بوده است که سینماگر بشوم. طبق توضیحی که بورديو ارائه می‌دهد حکومت‌ها هم نمی‌توانند کاری کنند! ارشاد و وزارتخانه دست‌تو است ولی می‌بینی تعدادی هنرمند صحنه را مدیریت می‌کند و هیچ‌کاری هم نمی‌توانند

انجام دهید. ما در این زمینه کم‌کاری داریم و باید جبران کنیم و از هنرمندان خودمان دفاع کنیم. و ابزارهای خودمان را داشته باشیم. مثلاً نادر طالب‌زاده از کسانی بود که زمینه بازی جدیدی را تعریف کرد. طالب‌زاده چهار تا سینماگر ضد صهیونیستی از آن سر دنیا پیدا می‌کرد و می‌گفت من می‌خواهم با تو حرف بزنم. یک زمین بازی جدید درست می‌کرد. تعدادی هنرمند جدید پیدا می‌کرد و به آن‌ها مستندسازی آموزش می‌داد. نمی‌گویم درست یا غلط، می‌خواهم بگویم حتماً راه‌های جدیدی هست که شما هوشمند باشید، متعهد باشید، باورمند باشید و مجاهدانه عمل کنید. قطعاً به دنبال آن‌ها رفته و عمل می‌کنید.

آرمان‌خواهی و روح انقلابی چقدر در دانشگاه سوره وجود دارد؟
سازمان تبلیغات بر اساس یک ضرورت اقدام به تاسیس دانشگاه سوره کرد. اساتید قابل اعتمادی آمدند و برنامه درسی مشخصی هم تعیین شد اما خروجی‌هایش براساس آن ضرورت نبوده و نیست! این بدان معناست که آن ضرورت اولیه جدی گرفته نشده است. البته باید اشاره کنم که دکتر ساعی یک همت ستودنی در ایجاد تحول داشته‌اند.

نبرد فرهنگی که بین جبهه حق و باطل وجود دارد به راستی نبرد برابری نیست. نفسانیات جریان باطل به حدی شیرین، جذاب و گیرا است که اگر دست روی دست هم بگذارد و هیچ کاری هم نکند آن جریان فرد را به سمت خودش هدایت می‌کند. واقعاً نیازمند و خستگی‌ناپذیر هستیم. به نظرم جریان تربیتی بسیار موثر است. همه ما در مقابل دانشجو و حتی دانشجوی زرا مسئول هستیم. در واقع همان که جلوی من ایستاده و دارد با من دعوا می‌کند. چه بسا سرپل صراط همان دانشجو یقه من را بگیرد و بگوید اگر تو درست رفتار می‌کردی من اینجوری نمی‌شدم، من آنقدر فرو نمی‌رفتم و یا حتی برمی‌گشتم و از خیلی‌های دیگر هم جلو می‌زدم. موقعیت خطرناکی را خدا به ما داده‌است. ما با هدایت جامعه در ارتباط هستیم و اصلاً نباید شوخی بگیریم. نه فقط در مقابل دوستان انقلابی و همفکر خودم بلکه در مقابل همه مسئول هستیم. نمی‌خواهم به یک تسامح و تساهل افراطی برسیم و یا یک پلورالیسم فرهنگی

ایجادکنم اما می‌خواهم شما را متوجه معنای دیگری بکنم. در واقع آن هم دختر من است. البته نه به این معنا که او دختر من است پس اجازه بدهم هر کار اشتباهی که می‌خواهد انجام دهد؛ به این معنا که دل‌مان برای تربیت و هدایت او بسوزد. به این معنا که اگر دختر تو این کار را کرد چه واکنشی داری؟ باید بیش از همه قلب تو به درد آید و نگذاری که بیش از این اشتباه کند.

هنرمند با عموم و قلوب مردم کار دارد! چه هنرمند طاغوتی و چه هنرمند برحق، هر دو با قلوب مردم کار دارند به همین خاطر است که خداوند در آیه آخر سوره شورا هشدار جدی به شعرا می‌دهد. چون شعرا کار مهمی دارند، چرا به بقیه نمی‌دهد؟ چون دارند بر روی قلب آدم تاثیر می‌گذارند و می‌توانند یک قلبی را زنده کرده یا قلبی را سیاه کنند.





وما کدام راه را برگزیده ایم؟

تصویر شماره ۲



هنرمند: مهدی نجیمی
دانشجوی ارتباط تصویری
دانشگاه سوره

زمان مطالعه: ۷ دقیقه

دانشجویان رشته‌های هنر که در این نوشتار به عنوان یکی از اقشار مهم و قابل تامل در حوادث جامعه نگریسته شده‌اند، در طول مسیر تحصیل، محکوم به تولید و ارائه اثر هستند. تولیداتی که آن‌ها را با نام آثار دانشجویی می‌شناسیم. به همین دلیل با مجید بزرگ‌زاده، ایده‌پرداز، کارگردان هنری و نویسنده در بخش نگار ماهنامه راه، آثار شایسته‌ای را از دانشجویان سوره پیش روی شما قرار می‌دهیم. از قلم افتادن آثاری شایسته‌تر از آنچه ما انتخاب کرده‌ایم به سبب تقص‌هایمان بدیهی است. از همین رو منتظر پیام‌ها و پیشنهادهای شما هستیم.



● مجید بزرگ‌زاده
کارگردان هنری

← دانشگاه و دوران آموزش عالی، فراتر از کسب دانش و بدست آوردن مدرک فارغ‌التحصیلی، بستری برای گسترش توانمندی‌هاست. آشنایی با محیط آکادمیک، توسعه‌ی اجتماعی در حوزه‌ی شغلی، توانمندی برای کارآفرینی، کنشگری اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، از نمونه توانمندی‌هاییست که یک دانشجوی آگاه، در کنار تحصیل علم و فن؛ به آن‌ها دست می‌یابد. در کنار این‌ها، که شما نیز می‌توانید به آن بیافزایید، «نیت‌ها و اهداف» نیز در همین دوران شکل می‌گیرد. دو موضوع والایی که در نسبت مستقیم با چگونگی تعامل دانشجو با محیط‌ها و حوادث فرا دانشگاهی است. برای مثال و در تناسب با این مقال «حادثه‌ی ترویسیتی در صحن حریم شاهچراغ» و «طوفان الاقصی در فلسطین اشغالی» دو اتفاقی بود که اشخاص، اصناف، گروه‌ها، دولت‌ها و... درباره‌ی آن اظهار نظر کرده‌اند. و به طبع هنرمندان عرصه‌های مختلف به این جرگه پیوسته‌اند. حتی آنان که هیچ نکته‌ی و سکوت را برگزیده‌اند، نوعی کنش را صورت داده‌اند. چرا که به واسطه گسترش شبکه‌های اجتماعی، موضع‌گیری و اعلام نظر به سهولت ممکن است.

تصویر شماره ۱


 هنرمند: فاطمه طاهری
 دانشجوی نقاشی دانشگاه سوره

مردی به نام «فرزاد پادبا»، شاید تعداد این شهدا افزایش می‌یافت. در این تصویرسازی که با وام گرفتن از یک عکس مشهور تولید شده است، خانم طاهری ضمن توسعه‌ی توانمندی‌های خود در تصویرسازی، به قهرمان این حادثه ادای دین کرده است. رویکردی که براساس آنچه گفته شد، دانشجو را از یک طالب علم و دریافت‌کننده مدرک تحصیلی بالاتر می‌برد.

◆ درباره اثر می‌توان به چند نکته اشاره کرد. تصویرگر، برای پس‌زمینه‌ی اثر خو، یک قهوه‌ای اکر در نظر گرفته است تا سوژه‌ی اصلی که در پیش‌زمینه آمده است، بهتر دیده شود. کیفیت خاکستری‌گون پس‌زمینه، به ایجاد عمق میدان نیز کمک کرده است. لیکن، دمای رنگی پیش از اینکه یادآور شیراز باشد، ذهن بیننده را به سوی مساجد مناطق کویری می‌برد.

◆ هنرمند در سمت چپ بالا، شش کبوتر را که با فاصله نسبتاً زیاد از یک دیگر پرگشوده‌اند، میهمان قاب تصویر خود کرده است. کبوترحرم در فرهنگ دینی ما، نماد «امن» و فرهنگ ملی نشان «آزادی» است. کبوتران این تصویر، باتوجه به پروازی که به سمت چپ دارند، نشانه وقوع حادثه نیز می‌توانند باشند. اما تصویرگر می‌توانست استفاده بهتری از کبوتر به عنوان یک عنصر تصویری قدرتمند داشته باشد. برای مثال تعداد کبوتران را ۹، به نشانه‌ی ۲ شهید و ۷ زخمی حادثه قرار دهد.

◆ بعد از پس‌زمینه که در آن همه چیز به سمت چپ جریان دارد، سوژه‌های اصلی در پیش‌زمینه را از نظر می‌گذرانیم. فارغ از اجزای که تصویرساز به یک حادثه مشهور داده است، آنچه در تصویر مشاهده می‌شود،

◆ دانشجویان رشته‌های هنر که در این نوشتار به عنوان یکی از اقشار مهم و قابل تامل در حوادث جامعه نگریسته شده‌اند، در طول مسیر تحصیل، محکوم به تولید و ارائه اثر هستند. تولیداتی که آن‌ها با نام آثار دانشجویی می‌شناسیم. برخی از دانشجویان در مسیر تولیدات خود، «کنکاش علمی و تخصصی» را اولویت قرار داده و هرگونه رنگ بویی که فراتر از تجربیات تخصصی باشد، انحراف از مسیر اصلی لقب می‌گیرد. برای این دسته از دانشجویان سرمنزل مقصود، افزایش دانش و کسب مدرک است که در بسیاری مواقع سریع‌تر از دیگر دانشجویانی که درباره آن‌ها خواهیم نوشت به این سر منزل می‌رسند. این دانشجویان، از بسیاری تجربیات مهم دوران دانشجویی بی‌بهره می‌مانند. تجربیاتی چون کنشگری، کارآفرینی، توسعه‌های اجتماعی.

◆ اما برخی دیگر، به واسطه ماهیت هنری آنچه تولید می‌کنند، اثرشان از یک تجربه‌ی دانشجویی فراتر برده و خط‌نشانی از تولید یک اثر حرفه‌ای را در آن ایجاد می‌کنند. تلاش برای ایجاد یک فرصت شغلی در عین انجام پروژه‌های دانشجویی، مثالی برای این نوع نگاه در انجام پروژه‌های دانشجویی است. نگاهی که به توسعه فردی و اجتماعی دانشجو برای شغل‌یابی و یا کارآفرینی پس از فارغ‌التحصیلی کمک می‌کند. مثال دیگری نیز می‌توان در این باره بیان نمود اما فرصت و مجال این نوشتار قلم را مثالی که مقصود اصلی است سوق می‌دهد. مثالی که به مسئولیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک هنرمند در قبال می‌پردازد. در این مثال، دانشجوی هنر در حین انجام پروژه‌های دانشگاه، جایگاه خود و آثارش را در قبال جامعه‌ای در آن زیست می‌کند، تنظیم کرده است. این رویه، موجب شکل‌گیری «نیت و هدف» از تحصیل می‌شود که در مقامی بالاتر از توسعه‌های فردی است. هرچند هر دو لازم است.

◆ بر همین اساس، سه اثر از سه دانشجوی هنرهای تجسمی دانشگاه را که متقارن با اتفاقات اخیر در سرزمین‌های اشغالی و کمی پیش از این در مرقد امامزاده‌ی واجب‌التعظیم، احمد موسی معروف (شاهچراغ) تولید شده است از نظر می‌گذرانیم. آثاری که نشان از دغدغه‌های والای این دانشجویان در حین انجام پروژه‌های دانشگاه دارد.

◆ اثر اول، یک تصویرسازی از سرکار خانم فاطمه طاهری دانشجوی نقاشی دانشگاه است. این اثر که «قهرمان شاهچراغ» نام دارد، (تصویر شماره ۱) به حادثه‌ی مردادماه سال هزار و چهارصد دوی مرقد شاهچراغ اشاره می‌کند. حادثه‌ای که در آن، یک تروریست وارد صحن شده و دو تن از زائران را به شهادت می‌رساند. و اگر نبود دلآوری

گلابیز شدن دو شخص با یکدیگر است. و اسلحه‌ای که معلوم نیست متعلق به کیست. شخص سمت راست لباسی شبیه به تنپوش بیمارستان یا زندان دارد و شخص سمت چپ یک لباس شهری با کوله پشتی و ماسک.

◇ با توجه به اطلاعات فرامتنی که مخاطب دارد، این سوژه‌ها به درستی دریافت و پیام به آنجایی که می‌بایست متصل می‌شود. اما اگر مخاطب را ناآگاه به حادثه و کسی که قرار است با دیدن این تصویرسازی به دنبال حقیقت برود تصویر کنیم، تصویرسازی الکن است. چه بهتر که وقتی قلم و رنگ در دستان تصویرگر قرار می‌گیرد و او چون عکاس، اسیر پوسته‌ی ظاهری دنیا نیست، از «دنیای آشنا» فاصله بگیرد و با کمکی تمثیل‌ها و نشانه‌ها، حقیقت را از میان واقعیت بیرون بکشد.

◇ در پایان باید گفت، جای نشان نوشته‌ی «قهرمان شاهچراغ» روی این تصویر به شدت خالیست.

◇ اثر دوم این نوشتار نیز درباره‌ی شاهچراغ است. (تصویر شماره ۲) این اثر به واسطه‌ی حضور یک پیام واضح نوشتاری در پایین کادر به پوستر نزدیک شده است. «ما شیشه‌ی عطریم بگویید به سنگ»

شروع پیام با کلمه‌ی «ما» به مخاطب این را می‌گوید که خالق اثر یعنی آقای مهدی نجیمی، خود را در کنار شهدا و مجروحین حادثه دیده است. و چه بسا این دانشجوی عزیز ساکن استان فارس باشد. شیراز برای مخاطب ایرانی، شهر شعر، بهار نارنج، و صدای رود است و حال هوای رنگی این پوستر نیز، به تصاویر این چنین نزدیک است.

◇ طراح این پوستر، کادر خود را به دونیم کرده. در بالا فرمی شبیه به یک گنبد شیشه‌ای دیده می‌شود که قرابتی عین به عین با کلمات شعار پایین پوستر دارد. داخل گنبد شیشه‌ای هم با یک مایع بنفش صورتی و گل‌های شناور پر شده است که کماکان با لغت‌های شعار پایین پیش رفته است. زخم کار، خط اریب پایین و دوگلی است که در کنار گنبد قرار دارد. این دو زخم، پوستر را از یک اثر مینیمال، به یک تصویر سانتی‌مانتال تقلیل داده است.

◇ آخرین اثر، درباره مناقشات فلسطین و رژیم صهیونیستی است. اثری که با توجه به اتفاقات روز باید گفت تحت تاثیر طوفان الاقصی به قلم آمده است. هر چند داستان فلسطین بیش از یک قرن قدمت دارد. این اثر که با تکنیک دستی (غیر دیجیتال) تولید شده است، یکی از تجربیات ذی قیمت در دوران دانشجویی است. چرا که پس از آن، امکانات دیجیتال، جسارت استفاده از تکنیک‌های دستی را رهزنی می‌کند.

◇ به هر تقدیر خانم ثنا کاظمی که دانشجوی نقاشی است، برای ادای دین به حوادث روز دنیا، موضوع طوفان الاقصی



هنرمند: ثنا کاظمی
دانشجوی نقاشی دانشگاه سوره



تصویر شماره ۳

را دستمایه تولید قرار داده است. در این اثر ترکیب مدارنگی، پاستل و ذغال به نظر می‌رسد، پرچم جعلی اسرائیل از میانه خود پاره و پرچم فلسطین بیرون آمده است. روی پرچم نیز گنبد و گلدسته‌های مسجد الاقصی با رنگ سیاه قرار گرفته است که این سیاهی می‌تواند نشانه‌ی عزاداری نسبت به بی‌حرمتی‌های ادامه دار و پیش رونده‌ی رژیم صهیونیستی درباره این مکان مقدس باشد. همان اتفاقی که موجب طوفان مجاهدان فلسطینی شد.

◇ در بالا و پایین پرچم، می‌توان دو نیم رخ را از میان چین و چروک‌های ایجاد شده کشف نمود که اینگونه ابهامات از ویژگی‌های دنیای نقاشی است و گاهی به دنیای گرافیک (تصویرسازی و پوستر) سرایت می‌کند. جایی که صراحت اولویت دارد.

◇ در نهایت باید گفت، آنچه به عنوان نقد، درباره این سه گفته شد، به منظور بهبود کیفیت آثار بعدی این عزیزان و تزریق بار آموزشی بر متن بود. وگرنه، آنچنان که در ابتدای متن گفته شد، ارزش اصلی این سه اثر، در انتخاب موضوع و حرکت دانشجویان به پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی به عنوان یک دانشجوی امروزی و هنرمند آینده است. ○



حنظله

● نورالهدی حیدری فر

دانشجوی ارتباط تصویری دانشگاه سوره

← ناجی‌العلی از مشهورترین کاریکاتوریست‌های جهان عرب و غرب آسیا بود. او خالق حنظله است. حنظله کودک ده ساله پابره‌نه و ژنده‌پوش است که نماد کودکان آواره فلسطینی‌ست و همیشه با دستانی قلاب شده است. او از اقدامات جامعه بین‌المللی برای آزادی فلسطین ناامید است و با تمام آن‌ها تا زمان تحقق آرمانش قهر کرده و به مخاطب پشت کرده و به نوعی نظاره‌گر تمام جنایات صهیونیست‌ها و مظلومیت مردم فلسطین است. حنظله نام گیاهی تلخ است. وی می‌گوید نامگذاری این شخصیت برگرفته از سرنوشت تلخ آوارگان فلسطینی است. ناجی‌العلی ده ساله بود که مجبور به ترک فلسطین شد و حنظله‌اش هم برای همیشه ده ساله ماند چرا که جز در سرزمین خودش نمی‌توانست رشد کند. در روزهایی که کودکان غزه با بمب‌های اسرائیل کشته می‌شوند این کودک فلسطینی هیچ بمب و گلوله‌ای نمی‌تواند او را از بین ببرد.

◇ شهید سیدمرتضی آوینی درباره ناجی‌العلی و خلق شخصیت حنظله اینگونه نوشت: حنظله مظهر یک حضور سمبولیک است. شاهد همه مصائبی که بر ملت او می‌رود. حنظله شاید خود ناجی‌العلی باشد؛ پسر یک دنده و لجوج و پابره‌نه با شانه‌های آویزان و دست‌های گره خورده از پشت.

◇ درست ۳۶ سال پیش با شلیک چند گلوله، می‌خواستند جاودانگی را از او بگیرند؛ ناجی‌العلی به دست غاصبان صهیونیست شهید شد ولی حنظله همچنان باقی‌ماند.

◇ اکنون با شروع عملیات طوفان الاقصی بر علیه رژیم صهیونیستی صابر شیخ‌رضایی تصویرگر جوان ایرانی در کارگاه بین‌المللی پوستر وحدت با عنوان «قدس الامة» با یاد کاریکاتوریست نامدار جهان عرب، ناجی‌العلی اقدام به بازآفرینی شخصیت ماندگار حنظله در موقعیت جدیدی نمود. صابر شیخ‌رضایی در پوستر «بازگشت حنظله» از نمادهای هنر فلسطینی استفاده کرده است؛ نمادهایی مثل کلید با معنی حق بازگشت، چفیه با نماد هویت و عشق به وطن، سنگ نماد مقاومت و فلوت نماد تداوم مقاومت را تداعی می‌کند. نماد گیاهی زیتون نیز به درخت زندگی معروف است و به میراث اقتصادی و فرهنگی و معنوی فلسطین مربوط می‌شود.

○ امروز حنظله بزرگ شده و همچنان پشت به مخاطب قرار دارد اما این بار قدرتمند و آماده است ...

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

«ن، سوگند به قلم و آنچه می نویسند»

فکرهایی که در سفیدی کاغذ به تحریر درآید ماندگار می‌شود، و این فرصت برای ماندگار شدن اکنون توسط «راه» برای شما دانشجوی گرامی فراهم شده‌است تا بلندا و قدرت قلم خود را به نمایش گذارید و ماندگاری صدای خود را به تصویر بکشید.

← اینک نشریه دانشجویی «راه» به عنوان مجلدی در راستای گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه رسانه و هنر، در نظر دارد تا به منظور پیشبرد هر چه بهتر اهداف نشریه و انجام رسالت دانشجویی خود از شما دانشجویان و فرهیختگان اهل قلم دعوت به همکاری نماید:

◇ حوزه‌های نگارش:

* ادبی * شعر * فرهنگ و هنر * طنز * نقد آثاری * خبر و گزارش و...

◇ حوزه‌های هنر:

* گویندگی * کاریکاتور * عکاسی و فیلم‌برداری * فتوشاپ و طراحی * صفحه‌آرایی * ویراستاری * تدوین * نویسندگی * تصویرسازی و...

◇ شما دانشجویان اهل قلم می‌توانید جهت عضویت در

هیئت تحریریه نشریه «راه» سابقه فعالیت و توانایی خود را به آدرس RAHMAG_UNG_ADMIN@ (ایتا، بله، تلگرام) ارسال نمایید.



آدرس شبکه‌های اجتماعی:

@RAH_SUN

RAHMAG.UNS1402@GMAIL.COM

